



# شوخی طبیعی در روانشناسی نوین

مؤلف  
مهناز حقی

انتشارات فرزندگان دانشگاه

۱۳۹۸

**تقدیم به پدر عزیزم**

# فهرست مطالب

مقدمه

## فصل اول

شوخی طبیعی

## فصل دوم

فواید و کارکردهای شوخی طبیعی

## فصل سوم

سلامت روان

## فصل چهارم

شوخ طبعی در خانواده

## فصل پنجم

پرورش شوخ طبعی ترغیب پرورش توانایی

شوخ طبعی

منابع و مآخذ

## مقدمه

شوخی طبیعی فرایندی ذهنی است. این فرایند ذهنی متشکل از خلق و ادراک محرک های خنده آور و همچنین واکنش احساسی نسبت به این محرکها می شود. اجزای فرایند شوخی طبیعی از دیدگاه روانشناسی، فرایند شوخی طبیعی می تواند به ۴ جزء اصلی تقسیم شود:

۱. بافت اجتماعی

۲. فرایند شناختی - ادراکی

۳. واکنش احساسی به شوخی طبیعی

۴. ابراز کلامی - رفتاری خنده

شوخی طبیعی اساساً یک پدیده اجتماعی است. ما وقتی با سایر افراد هستیم، به مراتب بیشتر از زمانی که تنها هستیم، می‌خندیم و شوخی می‌کنیم. افراد وقتی تنها هستند، به ندرت می‌خندند. وقت دیدن یک برنامه کمدی در تلویزیون، مطالعه یک کتاب خنده‌دار، یا به یاد آوردن یک تجربه بامزه. البته، این موقعیت‌ها نیز ماهیتاً شبه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. به این دلیل شبه اجتماعی محسوب می‌شوند که باز هم پاسخی است به شخصیت‌هایی که در برنامه تلویزیونی یا در کتاب یا در خاطره مورد نظر

هستند. در سال های اخیر با پیشرفت روانشناسی توجه ویژه ای به سلامت روان شده است. وجود مشکلات و مسائل روزمره و فشار های عصبی که منجر به صدمه به سلامت روان می شوند هر روز بیشتر می شود. با این حال علم روانشناسی کمک می کند تا راهی برای مقابله با این صدمات پیدا شود. یکی از راه های پیشگیری یا مقابله با فشار های روانی و آسیب های روانی شوخ طبعی است. این کتاب به معرفی و تعریف و کاربردها و فواید شوخ طبعی می پردازد. امید است از خواندن کتاب لذت ببرید و شوخ طبعی



را در خود پرورش دهید که سپری محکم برای  
مقابله با آسیبهای روانی است.

# فصل اول

## شوخی طبیعی

انسان‌ها دارای صفات فروانی هستند که از این صفات می‌توان احساساتی، سلطه‌جو، وظیفه‌شناس و ... را نام برد. یکی از این صفات شوخی طبیعی است. صفتی که تعریف دقیقی از آن نمی‌توان ارائه داد. در گذشته نظراتی در مورد شوخی طبیعی بیان شده است. در اسلام، در یونان و کتاب‌های بسیاری از گذشته موضوع شوخی طبیعی به عنوان یک ویژگی یا صفت مناسب برای انسان نام برده شده است. در روایات فروانی آورده

شده است که پیامبر و ائمه افرادی شوخ طبع بودند و مردم را به شوخ طبعی تشویق می کردند. در روانشناسی امروز شوخ طبعی به عنوان ویژگی افراد کارآمد و کامل عنوان شده است. به هر حال شاید نیازی هم به تعریف شوخ طبعی نباشد، همه ما با این ویژگی آشناییم. در اطراف ما هستند افراد شوخ طبعی که هم خود از شاد بودن لذت می برند، هم دیگران از وجود آنها لذت می رند و در کنار آنها شاد می شوند. شوخ طبعی با خنده و شادی همراه است. البته به یاد داشته باشیم این ویژگی با مسخره کردن دیگران یا

لودگی تفاوت دارد. این صفت انسان ها را دوست داشتنی تر میکند نه منفور. در این فصل به معرفی دیدگاه های روانشناسان در مورد شوخ طبعی پرداخته می شود.

## شوخ طبعی چیست؟

خود کلمه شوخ طبعی ریشه مرتبگی دارد: طبق تعریف واژه نامه انگلیسی آکسفورد، این واژه از نظریه ای روان- فیزیولوژیک درباره اثرات شوخی های مختلف بر روی خلق و خوی انسان در قرن هفدهم گرفته شده است. اگر چه تمامی

فلاسفه نظریه‌ای را در این زمینه مطرح کرده‌اند، اما با گذشت ۲۵۰۰ سال مجادله و بحث، هنوز درباره عوامل تشکیل‌دهنده شوخ‌طبعی توافق نظر اندکی وجود دارد. با وجود شرکت متفکران از رشته‌های مختلف در این مناظره، موضوع شوخ‌طبعی در حال حاضر تحت نظر رشته فلسفه مطالعه می‌شود. تعداد اندکی از فلاسفه توجه خود را بر روی تحقیقات مرتبط با شوخ‌طبعی متمرکز کرده‌اند که به احتمال زیاد از دو عامل ناشی می‌شود: شکست‌های پی‌درپی، که نشان می‌دهند مشکلات فراوانی در این زمینه وجود دارد، و بعد

اینکه موضوع به غلط، یک موضوع بی‌اهمیت جلوه داده می‌شود. با این حال، وسعت و اهمیت این موضوع با حیطه‌های مطالعه متنوع در رشته‌های فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فیلم و ادبیات مشخص می‌شود. یافتن موضوعی فلسفی که با زندگی روزانه، روابط متقابل اجتماعی و طبیعت ما به عنوان یک انسان چنین ارتباط مستقیمی داشته باشد بسیار مشکل است. خود کلمه شوخ‌طبعی (**Humour**) ریشه مرتبطی دارد: طبق تعریف واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد، این واژه از نظریه‌ای روان-

فیزیولوژیک درباره اثرات شوخی‌های مختلف بر روی خلق و خوی انسان در قرن هفدهم گرفته شده است. بیشتر تحقیقات انجام شده در این زمینه از جناس‌ها و ابهامات فراوانی در بین خنده و شوخ‌طبعی سرشار است، و این مشکل تا به امروز ادامه دارد. «جان دیویی» عاملی را برای تمیز این دو در نظر می‌گیرد: «خنده به هیچ عنوان از نقطه نظر شوخ‌طبعی قابل بررسی نبوده و ارتباط آن با خنده، ارتباطی ثانویه است. خنده نوعی اتمام را در دوره‌ای از تعلیق یا انتظار مشخص می‌کند، پایان‌هایی که به طور آشکار ثانویه

هستند.» ما به دلایل مختلفی می‌خندیم ( شنیدن لطیفه خنده‌دار، استنشاق گاز خنده، قلقلک دادن) اما تمامی اینها الزاماً شوخ‌طبعی ما را ایجاد نمی‌کنند. در تلاش‌ها برای ارائه یک نظریه کلی برای خنده و شوخی، «جان موریل» به نکته بهتری برای تمیز این دو اشاره کرده است: «خنده در نتیجه یک تغییر روان‌شناختی خوشایند ایجاد می‌شود، در حالی که شوخی حاصل یک تغییر شناختی لذت‌بخش است.» با توجه به تکرار خنده بدون شوخی، محقق رابرت پروواین نتیجه می‌گیرد که در اکثر موارد خنده را می‌توان در



روابط متقابل اجتماعی - بدون وجود شوخ طبعی -  
یافت که به عنوان نوعی مکانیسم رهایی از تنش  
مورد استفاده قرار گرفته است. اگر شوخی  
شرایط خاصی از خنده نیست باید در کفایت آن  
تردید داشته باشیم. در اغلب موارد شوخی خنده  
را ایجاد می کند، اما گاهی حاصل آن تنها یک  
لبخند است. روشن است که این پدیده های  
متمایز از نظر درونی، در بعضی حالات به هم  
مرتبطند، اما ما برای یافتن ارتباط آنها به تبیین های  
واضح تری از هر دوی آنها - خنده و شوخی - نیاز

داریم. بخش اصلی این بررسی به این نکته مربوط است که شرایط کافی برای طنزآمیز بودن پاسخ ما چیست، اما یک تفاوت اساسی در اینجا وجود دارد، تعیین شرایط یک پاسخ با مجزا کردن اصولی که چیزی برای تحریک چنین پاسخی باید داشته باشد، متفاوت است. بحث ابتدایی ما با توصیف عوامل کافی برای تحریک ایجاد طنز تفاوت دارد. چه چیزی پاسخ مدنظر ما را ایجاد می‌کند؟ اینکه چه چیزی، یک مورد را طنزآمیز می‌سازد یکسان نیست. نظریات آرامش تلاش می‌کنند که شوخ‌طبعی را از طریق مدل‌هایی از

تنش توصیف کنند. آنها به جای تعریف شوخ طبعی، ساختارهای ضروری و فرآیندهای روانی موثر در ایجاد خنده را مورد بحث قرار می دهند.

دو نظریه پرداز برجسته در این زمینه هربرت اسپنسر و زیگموند فروید می باشند. به طور کلی دو نوع نظریه آرامش وجود دارد:

نظریه با نفوذتر معتقد است که خنده از انرژی فراوان و مازاد منتج می شود.

نظریه ضعیف تر مدعی است که خنده ناشی از طنز، موجب رهایی از تنش یا آزادی انرژی

می‌شود. فروید توصیف اختصاصی‌تری از مکانیسم انتقال انرژی دارد، اما فرآیند مورد نظر او با ویژگی‌های اساسی نظریه آرامش ارتباط چندانی ندارد. در «فیزیولوژی خنده»، اسپنسر نظریه‌ای را مطرح می‌کند که با نظریه هیدرولیک انرژی عصبی او ارتباط بسیار نزدیکی دارد. در این نظریه هیجان و آشفتگی روانی نوعی انرژی را تولید می‌کند که باید خودش را از این طریق یا طرق دیگر به مصرف برساند. او معتقد است که هیجان عصبی همیشه به ایجاد جنبش ماهیچه‌ای تمایل دارد. خنده - به عنوان نوعی

حرکت فیزیکی - می تواند به صورت یک جریان پرمعنی از اشکال مختلف انرژی عصبی عمل کند. اسپنسر نظریه خود را رقیب نظریه عدم تطابق (ناسازگاری) نمی بیند، در عوض او توضیح می دهد که چرا یک هیجان روانی خاص برخاسته از یک ناسازگاری موروثی به چنین حرکت فیزیکی بی هدف و منحصر به فردی منجر می شود. اسپنسر هیچ گاه پاسخ راضی کننده ای به این سؤال ندارد. اما او بود که ایده ایجاد خنده برای رهایی انرژی پتانسیل را

ارائه کرد. در نقد تئوری آرامش اسپنسر باید گفت که این نظریه بیشتر شوخی‌هایی را که به سرعت رخ می‌دهند توصیف می‌کند. به نظر نمی‌رسد که بسیاری از لطیفه‌ها، حاضر جوابی‌ها و حتی کارتونها انرژی انباشته شده‌ای باشند که آزاد شده‌اند. شاید اسپنسر فکر می‌کند که بهترین توضیح برای خنده به عنوان یک مصرف متفاوت و بی‌هدف انرژی این است که انرژی تولید شده توسط شوخی و طنز را به نحوه مناسبی در جایی مصرف کند. به هر حال، از آن جا که احتمالاً بیشتر تجربیات ما از شوخی، انرژی انباشته شده

ندارند و زمانی که ما هیجان زده هستیم احتمال شوخی کردن زیاد نیست، توضیح بهتر این است که خنده، آن قدرها هم که به نظر می‌رسد بی‌هدف نیست یا این که تمامی مصارف انرژی، باهدف یا بی‌هدف، نیاز به آماده و انباشته شدن دارند. احتمالاً اسپنسر این چنین پاسخ می‌دهد که هر فردی از طریق فرآیند مدیریت استرس روزانه، به طور مداوم در حال انباشته‌سازی انرژی است. در این صورت بیشتر افراد انرژی مازاد-شکلی از انرژی بالقوه- را دارا هستند که منتظر است توسط شوخی آزاد

شود. برای مثال، شوخی به هر فرد اجازه می‌دهد که بعد از یک روز پر از استرس و تنش، فشارهای روحی خود را تخلیه کند. اشکال چنین استنباطی در این است که افرادی که بیشتر از استرس تخلیه شده باشند ضعیف‌ترین گیرنده‌های شوخی هستند. نه فقط تلاش عجولانه آنها برای شوخی متناوبا ناکام می‌ماند، بلکه سرگرمی ناشی از آن نیز بسیار ناچیز خواهد بود. شاید اسپنسر بتواند ثابت کند که در یک آستانه معین، انرژی پتانسیل تمامی راه‌های ورودی را مسدود می‌کند، به این دلیل شوخی برای آزاد کردن انرژی ناتوان



است. اگر چه این جمله از دفاعیه او حق به جانب به نظر می‌رسد، اما پذیرش اصولی مانند بسته بودن راه‌های رهایی انرژی و مانند آن کمی غیرعادی است. فروید در لطیفه‌ها و ارتباط آن با ضمیر ناخودآگاه، نسخه قابل قبولی از نظریه آرامش را ارائه می‌دهد که می‌توان آن را به نوعی تبیین دوباره نظریه اسپنسر به اضافه یک فرآیند جدید دانست. وی سه منشا متفاوت برای خنده قائل است، لطیفه‌گویی، موارد خنده‌دار و شوخ‌طبعی - که تمامی آن‌ها نوعی ذخیره‌سازی

انرژی روانی هستند که بعدها توسط خنده تخلیه خواهد شد. در لطیفه گویی، انرژی مورد استفاده جهت سرکوب کردن پرخاشگری ذخیره شده و طی فرآیند خندیدن آزاد می شود. در موارد خنده دار، انرژی شناختی مورد استفاده برای حل کردن چالش های عقلی ذخیره شده و آزاد می شود. شوخی شامل ذخیره سازی انرژی عاطفی است. ما هیچ گاه با یک محرک عاطفی به طور جدی برخورد نمی کنیم. این انرژی انباشته شده نیز آزاد خواهد شد. جزئیات مباحث فروید از فرآیند ذخیره سازی انرژی چندان قابل اعتماد

نیست. مقصود او از ذخیره انرژی مبهم است زیرا مشخص نیست که این انرژی مازاد(اضافی) چرا باید ذخیره شود، و چرا نباید گفت که چنین انرژی اصلا وجود ندارد.

دیدگاه او درباره لطایف، جایی که انرژی مورد نیاز برای سرکوبی یک میل (خواسته) ذخیره می شود و نتیجه آن بروز پرخاشگری خواهد بود، معنی خاصی القا نمی کند. موریل و کارول انتقادهای مشابهی را از نظریه مدیریت انرژی مطرح کرده اند. ما می توانیم نظری راجع به

چیستی ماهیت انرژی انباشته شده داشته باشیم، اما عقیده‌ای راجع به آزاد کردن انرژی که برای سرکوبی میل خاصی به کار می‌رفته نداریم. علاوه بر این باور عجیب و غریب، نظریه لطیفه به مشاهدات تجربی مورد نظر منتج نشده است. طبق توضیح فروید، افرادی که بیشترین ممنوعیت و سرکوبی را داشته‌اند باید از لطیفه و لطیفه‌گویی بیشترین لذت ممکن را ببرند، در حالی که عکس آن صحیح است. نظریات آرامش در زمینه خنده، راه را برای تشخیص خنده ناشی از طنز و خنده بدون طنز هموار نمی‌کند. انرژی ذخیره

شده فروید را از نظر مفهومی نمی‌توان از انرژی‌های دیگر تشخیص داد. همان‌طور که در نظریه اسپنسر می‌بینیم تئوری‌های آرامش باید با نظریه‌های دیگر ترکیب شوند تا کارآمد باشند. تلاش فروید برای توضیح این که چرا ما می‌خندیم، کوششی است برای توصیف این که چرا ما برخی لطیفه‌ها با منظور مشخص را خنده دار می‌یابیم، بنابراین روشن نیست که او در برداشت خود از ذخیره انرژی چه هدفی را دنبال می‌کند. او خطای اساسی تئوری آرامش را بنیان نهاد، آن‌ها به غلط فرض می‌کنند که چون انرژی

ذهنی اغلب با حرکات فیزیکی آزاد می‌شود، هر حرکت فیزیکی را نیز می‌توان با انرژی مازاد توضیح داد.

## نظریه عدم تطابق

این نظریه، مهم‌ترین نظریه در حوزه شوخی و شوخ‌طبعی است و بیشترین مواردی را که در طنز ادراک می‌شود دربرمی‌گیرد.

این نظریه تلاش می‌کند که شرایط لازم برای شوخی را - یعنی ادراک یک عدم تطابق - فهرست کند و این وظیفه آن را از یافتن شرایط کافی باز می‌دارد. در کتاب فن سخنوری ارسطو

توضیح کمرنگی از نظریه عدم توافق در شوخی و شوخ طبعی ارائه می کند، با تاکید به این که بهترین راه برای یافتن و داشتن مخاطبی برای خندیدن، انتظار رخ دادن یک حادثه خاص و ارائه نوعی تضاد با آن توقع است. ارسطو بعد از بحث کردن درباره قدرت استعاره برای ایجاد نوعی شگفتی در مخاطب، می گوید: آثار مدنظر حتی با تغییر در حروف یک کلمه نیز ایجاد می شود، و این تغییر شگفت آور است. این اثر را می توان در نثر و یا حتی در نظم نیز مشاهده کرد. کلمه های استفاده شده، آنهایی نیستند که

مخاطب انتظار شنیدن شان را دارد. به نظر می‌رسد که او، گونه‌ای نظریه‌شگفتی را در شوخی تفسیر می‌کند. دکارت نیز چنین مفهومی را ارائه کرد اما ارسطو توضیح می‌دهد که چگونه این شگفتی باید به نوعی «متناسب با حقایق» باشد، یا این که ناسازگاری مدنظر باید ظرفیت چنین تجزیه و تحلیلی را داشته باشد، ارسطو که می‌توان آن را در دنیای امروز نیز لحاظ کرد.

در نقد خرد داوری (۱.۱.۵۴)، کانت یک تبیین واضح‌تر از نقش عدم تطابق در شوخ‌طبعی را ارائه می‌دهد: «در هر چیزی که برای ایجاد یک خنده



زنده به کار می‌رود باید یک بعد غیرعادی وجود داشته باشد. (که البته فهمیدن این غیرعادی بودن سودی برای مخاطب به همراه ندارد.) خنده یک تاثیر است که از انتقال ناگهانی یک انتظار به هیچ برمی‌خیزد».

شوپنهاور مدعی است که یک بعد خاص از نظریه عدم تطابق از اعتقاد «به ایجاد شوخی از ناکامی یک مفهوم برای اندیشیده شدن» حاصل می‌شود. هنگامی که جز از کل مهم‌تر شود ما با یک عدم تطابق روبرو می‌شویم. شوپنهاور همچنین با گفتن این جمله که «هرچه این عدم

تطابق بزرگ‌تر و دور از انتظارتر باشد خنده  
خشن‌تر خواهد بود.»، تاکید خاصی بر عامل  
شگفت‌زده شدن دارد.

طبق باور کانت و شوپنهاور، نظریه عدم تطابق  
در مبحث شوخ‌طبعی شرایط لازم برای موضوع  
شوخی را مشخص می‌کند. تمرکز بر روی  
موضوع طنزآمیز چیزی ماورای تجربه شوخ‌طبعی  
است، زیرا موارد ناسازگار فراوانی وجود دارد  
که برای ما سرگرم‌کننده نیستند. تبیین قوی‌تر از  
نظریه عدم تطابق باید پاسخ خوشایندی را که فرد  
به موضوع طنزآمیز ارائه می‌کند را نیز شامل شود.

جان موریل در تلاش است که شرایط کافی برای تشخیص شوخی را با تمرکز بر پاسخ فرد بیابد. او سرگرمی حاصل از شوخی را به صورت لذت بردن از تغییرشناختی تعریف می‌کند. نظریه عدم تطابق می‌تواند به صورت یک نظریه متمرکز بر پاسخ نیز بیان شود، با اعتقاد به این که شوخی نوع ویژه‌ای از واکنش است که باید عدم تطابق را درک کرده باشد. مقاله هانری برگسون با نام «خنده» شاید یکی از موثرترین و فرهیخته‌ترین نظریات در این زمینه باشد. نظریه برگسون به آسانی قابل طبقه‌بندی نیست، زیرا همزمان

عناصری از تقدم و نظریات عدم تطابق (ناسازگاری) را داراست. او در یک جمله معروف می‌گوید که «منشأ شوخی لایه‌ای مکانیکی از زندگی است».

طبق گفته برگسون «طنز خارج از آنچه که انسان نامیده می‌شود وجود ندارد.» او معتقد است که شوخی و شوخ‌طبعی نوعی رابطه ناسازگار بین هوش انسان و رفتارهای مکانیکی یا عادت‌هاست. به همین ترتیب، شوخی مانند یک مصلح اجتماعی به مردم در شناسایی رفتارهای متضاد با پیشرفت انسان کمک می‌کند.

یک منشاء بزرگ برای طنز، تشخیص اولویت‌های ما در مقایسه با انسان‌های مجازی (جایگزین) است. می‌توان هر چیزی که ارزش انسان را به حیوان یا اشیا تنزل می‌دهد بخش عمده شوخی دانست. بدون شک نظریه برگسون طنزهای بدنی و شوخی‌های فیزیکی را شامل می‌شود. اما به نظر می‌رسد که او در لزوم وجود چنین طبقه‌بندی‌ای اغراق کرده باشد.

یافتن اینکه چگونه نظریه او می‌تواند با بیشتر لطایف و شوخی‌های ناشی از حاضر جوابی وفق کند، چندان آسان نیست. سه اعتقاد عمده از

نظریه عدم تطابق را به این صورت می‌توان خلاصه کرد: نخست آن‌که این نظریه برای معنی‌دار بودن برخی بسیار گسترده است و از طرف دیگر توضیحات آن برای بیان تفاوت ناسازگاری اساسی و ناسازگاری در طنز کافی نیست.

همچنین این نظریه مشابه نظریاتی است که در توضیح خنده‌دار بودن برخی موارد و نبودن برخی دیگر شکست خورده‌اند. سومین انتقاد مدعی است که این نظریه موضوع شوخی و پاسخ ما را به اشتباه درمی‌آمیزد. در پایان، هدف ما باید

پرداختن به سئوالات «شوخی طبیعی چیست؟ یا چگونه آن را تشخیص دهیم» باشد، نه ایجاد یک نمودار سازنده شوخی. پاسخ این نظریه پردازان به این انتقاد این است که شوخی، حاصل خوشایند بودن این ناسازگاری است.

### نظریه بازی

در نظر گرفتن نظریات بازی در زمینه شوخی طبیعی به عنوان یک مکتب یا دیدگاه مستقل نوعی اغراق است، اگر چه این نظریات به عنوان یک نماینده خوب برای نظریات متمرکز بر روی سئوالات عملکردی هستند. با دقت بیشتر به

ویژگی‌های بافتی این نظریه‌ها در می‌یابیم که هدف آنها طبقه‌بندی شوخ‌طبعی به انواع گوناگون بازی است. به طور کلی، نظریه‌پردازان بازی آن‌چنان به تعیین شرایط لازم برای شوخی نمی‌پردازند، چرا که آنها از ما می‌خواهند که شوخ‌طبعی را نوعی تکامل در بازی‌های حیوانات در نظر بگیریم. آنها می‌کوشند که توجه ما را به تشابهات ساختاری در بافت بازی و بافت شوخی جلب سازند تا ثابت کنند که آنچه درباره بازی صحت دارد ممکن است درباره شوخ‌طبعی نیز درست باشد.



نظریه پردازان بازی معمولا گونه‌ای از دیدگاه رفتارشناسی را برای مطالعه شوخ‌طبعی اتخاذ می‌کنند که آن را به تکامل پویا نسبت می‌دهند. آنها خنده را به مانند قلقلک‌دادنی می‌نگرند که در گونه‌های دیگر نیز یافت می‌شود، تا به این نتیجه برسند که در هستی‌شناسی شوخ‌طبعی، تکامل تاریخی انواع ارگانیزم نیز نقش داشته است. در لذت خنده، ماکس ایستمن، نظریه بازی را با یک داستان منطبق می‌سازد. او معتقد است که ما می‌توانیم مقایسه‌هایی درباره شوخی را در رفتارهای حیوانات، - به ویژه در خنده اولیه

شامپانزه‌ها هنگام قلقلک دادن - بیایم. وی تا آنجا پیش می‌رود که دم تکان دادن یک سگ را نوعی از خنده طنزآمیز می‌بیند. در حقیقت ایست‌من می‌خواهد خنده را به نحوی تعریف کند که سایر خنده‌های ریتم‌دار و لذت‌بخش را نیز دربر بگیرد. او با بحث‌های اختصاصی در زمینه شوخ‌طبعی می‌گوید که «ما در حالی قدم به دنیا می‌گذاریم که یک تمایل غریزی برای خندیدن به ما عطا شده است و این احساس را در پاسخ به دردهای خود نیز به کار می‌بریم». طبق نظریه ایست‌من، وجه اشتراک شوخی و خنده در

این است که هر نیازمند اتخاذ یک نگرش غیرعلاقه‌مندانه در برابر رویدادهای جدی زندگی می‌باشند. ایست‌من، شوخی را نوعی بازی در نظر می‌گیرد زیرا شوخ‌طبعی یک دیدگاه غیرجدی را می‌طلبد و انواع مشخصی از شوخی مانند پرخاشگری کاذب و فحاشی از این نوع هستند. همچنین برای برخی انواع بازی به سرگرمی‌های خنده‌دار منتهی می‌شوند. به این دلیل ایست‌من بازی را به عنوان نوعی هماهنگی با این نگرش غیرعلاقه‌مندانه تعریف می‌کند، در حقیقت در

تعریف او شوخی نوعی بازی به حساب می آید، اما این برداشت برای عمل کردن به عنوان یک تعریف مناسب برای بازی، محدود و مبهم به نظر می رسد. در «انسان بازیگوش»

**(Homoluden)**، جان هوای زینگا قائل شدن ویژگی خنده و یا طنز برای بازی را مورد انتقاد قرار می دهد. اگر چه به نظر می رسد که هر دو نوعی «جدی بودن وارونه» باشند ولی تفاوت های آشکاری میان آنها وجود دارد. او می گوید که خنده مختص انسان هاست، در حالی که بازی در سایر پستانداران و پرنده ها نیز دیده می شود.

همچنین اگر ما انواع خاصی از بازی‌های رقابتی را مجاز بدانیم، اتخاذ یک نگرش غیرجدی برای بازی ضروری نیست. اما برای شوخ‌طبعی چنین خاصیتی وجود ندارد، تشخیص تفاوت شوخی از بازی مبهم است، چون که بازی چه برای بازیگر و چه برای عموم به خودی خود طنزآمیز نیست. هوای زینگا حتی احتمال اشتراک شرایط لازم بین بازی و شوخی را به پرسش می‌گیرد. اگر شوخی جایگزینی برای بازی است باید ارتباطی بین آنها وجود داشته باشد. البته این ارتباط به

چگونگی توصیف بازی و شوخ‌طبعی - دو  
موضوع فریبنده - وابسته است. نظریه پردازان بازی  
برای توضیح امکان وجود ارزش  
هماهنگ‌کنندگی شوخ‌طبعی، ابتدا به تعیین  
عملکرد آن می‌پردازند، مبحثی که توسط دیگر  
نظریه‌پردازان زیست‌شناختی شوخ‌طبعی نیز به آن  
پرداخته شده است. این گروه معتقدند که با توجه  
به مشابهت بازی و شوخی، ارزش هماهنگ‌کننده  
بازی مشابه ارزش‌های شوخی است. سایر محققان  
توجه خود را بر روی عملکردی که شوخی را  
در تکامل شناختی، آموختن مهارت‌های اجتماعی،

رهایی از تنش، مدیریت همدردی، فواید سیستم  
ایمنی، استرس زدایی و ساختن روابط اجتماعی  
مهم توصیف کرده‌اند، متمرکز ساخته‌اند. اگرچه  
این سئوالات ابتدا توسط جامعه‌شناسان،  
روانشناسان، مردم‌شناسان و محققان پزشکی  
 مطرح شده است ولی مطالعات آن فقط به تکمیل  
تعریف آنچه که به عنوان شوخی در نظر گرفته  
می‌شود کمک می‌کند. بنابراین سئوالات  
عملکردی مهم‌ترین بخش این نظریه‌ها را تشکیل  
می‌دهند، و نظریه بازی تلاش می‌کند که برخی  
ویژگی‌های متمایزکننده و الزامی را ارائه داده و

یک طبقه ویژه را به شوخی و شوخ طبعی اختصاص دهد.

## منشاء خنده

خنده یک فرآیند فیزیولوژیک است که منجر به ایجاد تعداد محدودی الگوهای صوتی اختصاصی می‌شود که فقط از نظر فیزیولوژیک ممکن هستند، پروواین معتقد است که خنده فقط در مخلوقات دارای سیستم زیست‌شناختی که از کنترل تنفس برخوردارند وجود دارد. اگر ما خنده را به عنوان واکنشی در پاسخ به شوخی در



نظر بگیریم، باید به این سؤال پاسخ دهیم: شوخی چیست؟

برای شروع می‌توان شوخی یا سرگرمی را به صورت پاسخی در برابر یک تحریک خاص در نظر گرفت. به عبارت دیگر یک موقعیت خنده‌دار - که یک منشأ کلی برای شوخی در نظر گرفته می‌شود - به صورت یک عنصر کلی برای موارد مشابه تعریف شده است. برای تمیز دادن خنده حاصل از شوخی و خنده غیرفکاهی ابتدا باید یک تعریف عملی برای شوخی ارائه دهیم که هم ویژگی پاسخی ما و هم ماهیت

موضوعات شوخی برانگیز را در بر گیرد. پرسیدن و حتی پاسخ به سؤال «شوخی چیست» الزامی نیست، اما برای تعریف صحیح یک موضوع آغاز خوبی به شمار می‌رود. نخستین هدف نظریه‌های شوخ‌طبعی، جستجوی توانایی ما برای تعیین و تعریف آن است. بیشتر تعاریف ارائه شده درباره شوخی و شوخ‌طبعی در تلاش برای تعریف شرایط کافی و لازم برای روی دادن یک شوخی به نحوی ماهیت‌گرا هستند. برخی نظریه‌پردازان عنصر مشترک موجود در تمام انواع شوخی را از شرایط کافی برای روی دادن آن جداسازی می‌کنند. به

نظر می‌رسد که بسیاری از نظریه‌پردازان در توصیف شرایط لازم برای شوخی بودن پاسخ، با توضیح اینکه چرا یک چیز به جای چیز دیگر به نظر ما خنده‌دار می‌رسد، دچار سردرگمی شده‌اند. این سؤال که چه عاملی برای خنده‌دار بودن موضوع کافی است جزو اصلی مطالعات این زمینه را تشکیل می‌دهد، و باید از اهداف تعریف شده پاسخ ناشی از شوخی متمایز نگاه داشته شود. روان‌شناس‌ها شوخ طبعی را از حدود نیم قرن پیش مورد بررسی قرار دادند. بعضی از روان‌شناسان معتقدند که شوخ طبعی و

خنده برای وجود آدمی و زندگی او، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. دیدگاه عمده دربارهٔ نقش روان شناختی شوخ طبعی این است که مزاح نوعی سبک سازگاری و انطباق است. دیدگاه های مختلفی در زمینه شوخ وجد دارد. فروید معتقد است که شوخ طبعی یکی از سازوکارهای دفاعی «من» و نوعی تلاش اقتصادی جهت صرف انرژی روانی است. معتقد است ارتباط تنگاتنگی بین حدس بذله گویی و میزان خلاقیت فرد وجود دارد. هشت سبک سازگاری برای آدمی برشمرده که در این میان

سازوکار وارونه سازی، یعنی توجه به وجوه  
مضحک شرایط و موقعیت های فشارزا از آن  
جمله است. از یک دیدگاه جامع تر زیستی -  
روانی اجتماعی<sup>۱</sup> می توان مزاح را نوعی پیام  
هدفمند اجتماعی دانست که با تغییرات  
فیزیولوژیکی و روانی ویژه ای همراه است.  
بدیهی است که این پیام کارکردهای اجتماعی  
خاص خود را داراست و محتوا و مسیر ویژه خود  
را نیز دارد. به عبارت دیگر شوخ طبعی به مثابه  
یک پیام هدفمند به دنبال تحقیق کارکردهای

معینی است و در این راه با استفاده از شیوه های ویژه در موقعیت های معینی به کار می رود. توجه به کارکردهای اجتماعی و اهداف شوخ طبعی از دیدگاههای مختلف، مورد بحث و بررسی علمای رفتاری و به خصوص روان شناسان قرار گرفته است. برخی از روان شناسان، مزاح را اساساً خصومت بار، عده ای آن را دردناک و تحقیرآمیز و تعدادی دیگر مزاح را سرگرم کننده و لذت بخش می دانند. به طور کلی نظرات روان شناختی پیرامون مزاح و بذله گویی را می توان در قالب چند رویکرد نظری

مورد بررسی قرار داد. شوخی و شوخ طبعی اساساً خلاق بوده و خود تسهیل کننده خلاقیت بیشتر است. تقریباً تمامی تعاریف شوخ طبعی شامل ضوابطی از قبیل ترکیبهای غیرمعمول، شگفتی، عدم تجانس مفاهیم و برداشتها و نظایر آن می گردد. بر طبق یک تعریف شوخ طبع کسی است که خلاقیتش منجر به اظهار نظرها، داستانها و نمایش نامه های خنده آور است. علاوه بر آن، در بینشی وسیع شوخ طبع کسی است که خود و دیگران را به نحوی فراتر و منفک تر می بیند. چنین شخصی قادر است به

خود و وقایع زندگی بخندد و در عین حال با مردم و وقایع مرتبط باقی بماند. شوخ طبعی فرایندهای فیزیولوژیک، روانی و اجتماعی را ادغام یا سنتز می کند. بنابراین توانایی ایجاد شوخی و مزاح یا «داشتن توانایی شوخ طبعی» ویژگی خلاق مهمی است. بدون شوخی زندگی برای غالب مردم غیرقابل تحمل است. برای بسیاری از مردم شوخی یک راه بقا و یک نیروی شفابخش است. برای افراد نادری که در خود استعداد شوخ طبعی را پرورش می دهند و در این راه به کار می برند مشاغل پر اجری در



کاریکاتور نویسی، قصه گویی و نویسندگی یا هنرپیشگی و نمایش های خنده آور به انواع مختلف وجود دارد. بسیاری از پژوهشگران حل خلاق مسائل را یادآور شده اند که جرقه راه حل های موفقیت آمیز از طریق شوخ طبعی زده شده است. با وجود این روش های ساخت دار حل مسائل تأکید کمی بر پرورش توانایی ایجاد مزاح و به کار بردن آن در حل مسائل گذارده اند. در بسیاری از پژوهش های اولیه «ویلیام جی - جی - گوردن»<sup>۱</sup> و همکارانش در گروه نشان می دهد

که راه حل های سدشکنانه غالباً با جوی از بازی همراه بوده است. این نوع بازی شامل مقدار زیادی شوخ طبعی بوده است ولی وقتی کوشش هایی برای تدریس ایجاد جوبازی به کار برده شده، با عدم موفقیت همراه بوده است. با وجود این معلوم شده است که بازی با تشابه ها تغییرات درجه دومی به وجود می آورد که ایجاد مزاح، خنده و جوی مناسب برای بازی ایجاد می کند. مشاهدات تورنس نشان می دهد که این پدیده مکرراً هم در هنگام کاربرد تشابه ها و هم در موقع یورش فکری برای حل خلاق مسائل به

وقوع می پیوندد. در پایان این بحث تعریف شوخ  
طبعی از دیدگاه تورنس بی فایده نیست. شوخ  
طبع کسی است که خلاقیتش منجر به اظهار  
نظرها، داستانها و نمایش نامه های خنده آور  
شود. شوخ طبع کسی است که خود و دیگران را  
به نحوی فراتر و منفک تر می بیند و قادر است به  
خود و وقایع زندگی بخندد و در عین حال با  
مردم و وقایع مرتبط باقی بماند. (تورنس، ۱۹۹۳).

نظریه های روانشناسی شوخ  
طبعی  
نظریه اهانت

براساس نظریه اهانت شوخ طبعی در درجه اول روشی است جهت ابزار خشم. به این شکل که هدف از مزاح، توهین به مخاطب است. صاحب نظران این رویکرد معتقدند که مزاح بدان دلیل مثبت و پسندیده تلقی می گردد که جایگزین مناسبی جهت روشهای خشن تر و غیر مؤدبانه تر ابراز خشم (نظیر توهین و ناسزاگویی) است. اشاراتی از مباحث فوق را می توان در نوشته های افلاطون، ارسطو، سیسرو<sup>۱</sup> و هابز یافت (راسکین، ۱۹۸۵). بارون<sup>۲</sup>، برن<sup>۱</sup> و

---

۱۵- Cicero

۱۶- Baron

گرفتار (۱۹۷۴) نشان داده اند که وادار کردن افراد عصبانی به خندیدن با ایجاد حس سرگرمی و تفنن، به طور معنی داری تمایلات پرخاشگرانه آنان را تعدیل می کند.

## نظریه تخلیه هیجانی و آسودگی<sup>۳</sup>:

طرفداران این نظریه معتقدند که مزاح و خنده منجر به گشایش خلق و خوی و تشریح انرژی روانی شده نتیجتاً موجب تعادل و آرامش روانی

---

۱۷- Byrne

۱۸- Griffitt

۱۹- Release

فرد می شود. شاید مشهورترین نظریه تخلیه و آسودگی متعلق به فروید باشد. فروید (۱۹۱۶) در کتاب (شوخیها و ارتباط آنها با ناهشیاری)<sup>۱</sup> اظهار می دارد که مزاح راهی جهت رهایی از رفتارها و افکار بازدارنده و سانسور شده است. براساس نظریه فروید (۱۹۱۶)، تخلیه انرژی روانی از طریق مزاح نوعی تلاش اقتصادی و حسابگرانه و صرفه جویانه و در عین حال ناخودآگاهانه برای برون ریزی تنشهاست او معتقد است که بین رؤیایها و مزاح تشابهات فراوانی وجود دارد و در

هر دو مورد فرد به طور ناخودآگاه و به شیوه‌ی نمادین<sup>۱</sup> نسبت به ارضای تمایلات واپس زده شده و کنش زای خویش مبادرت می‌ورزد. نظریه ناهماهنگی و تباین<sup>۲</sup>

پیروان این نظریه معتقدند مزاح از کنار هم گذاشتن دو یا چند مفهوم ظاهراً نامرتب که در ذهن مزاح‌کننده با یکدیگر مقایسه و در کنار هم گذاشته می‌شوند و به دست می‌آید. روان‌شناسان طرفدار این نظریه معتقدند که دریافت

---

۲۱- Symbolic

۲۲- Incongruity Theory

مشابهت یا تفاوت بین امور، عامل مزاح است و از آن جا که مزاح معمولاً سبب تبدیل بحثی منطقی به بحثی نامربوط و بیهوده می شود لذا خنده آور می شود. به خوبی مشخص است که این نظر با نظرات شناختی نوین در روان شناسی مطابقتهایی دارد. راسکین (۱۹۸۵) معتقد است از نظر پیروان این نظریه در موقعیت های فشارزا، شوخ طبعی، پهنه دیدگاه فرد را به سوی حل هر چه مؤثرتر مشکلات و سازگاری بیشتر با محیط و فشارها گسترش می دهد. طبق این دیدگاه، مزاح در موقعیتهای فشارزا موجب افزایش احساس تسلط،



عزت نفس و اعتماد به خود می شود (راسکین، ۱۹۸۵). ساراسون و ساراسون (۱۹۸۷) نیز بر این باورند که مزاح می تواند به عنوان روشی جهت کسب آرامش روانی در شرایط تشنج زا و پر دردسر به کار رود. در سالیان اخیر نظریه های دیگری از سوی روان شناسان درباره مزاح ارائه شده که از آن جمله می توان به نظریه راسکین (۱۹۸۵) اشاره کرد. نظریه راسکین مبتنی بر معنی شناسی است نظریه راسکین توجهی به موضوعی یا علل خنده ندارد بلکه به این مسئله می پردازد

که چگونه یک مطلب، رفتار یا مسئله شوخی  
تلقی می گردد.

تئوریهای متعددی دربارهٔ شوخ طبعی وجود  
دارد و در جستجو برای سر نخ هایی که رشد  
خلاقیت را ارتقا می بخشد می توانیم از همهٔ آنها  
استفاده کنیم. تئوری برتری بر آن است که ریشه  
های شوخ طبعی در پیروزی بر دیگران است.  
تئوری عدم تجانس تأکید دارد که شوخ طبعی  
ناشی از ساختن جفت های بی ارتباط و نامتناسب  
ایده ها یا وضعیت هایی است که از آداب معمول  
ناشی می شوند. بر طبق تئوری غافل گیری

عوامل شگفت زدگی، هراس ناگهانی یا شوک،  
یا غافل گیری شرایط لازم بر یا شوخ طبعی است.  
تئوری دو جنبگی مدعی است که اساس شوخ  
طبعی وقوع همزمان احساسات یا عواطف  
ناسازگار است. تئوری فراغت یا رهایی ادعا می  
کند که اساس شوخ طبعی رهایی از تنش یا  
محدودیت یا آزاد کردن تنش اضافی است. طبق  
تئوری پیکربندی شوخ طبعی وقتی اتفاق می افتد  
که عواملی که بدواً غیر مربوط تلقی می شده اند  
ناگهان به هم ارتباط داده شوند. در تئوری روان  
کاوی اساس بر این است در شوخ طبعی نوعی

صرفه جوئی در به کار بردن احساسات وجود دارد. به عبارت دیگر شوخ طبعی واقعه ای است که حادث شدن آن معمولاً آنچه را که ممکن است باعث تحمل رنج شود به چیزی بی اهمیت تبدیل می کند.

شوخ طبعی در رویکرد روان تحلیل گری فروید شوخ طبعی را بهترین مکانیزم دفاعی می داند. از نظر فروید شوخ طبعی یک استعداد استثنایی و نادر است که به ما اجازه می دهد در مواجهه با تنش به خودمان بگوییم: نگاه کن این است معنی دنیایی که ظاهراً خطرناک است. مثل

بازی بچه هاست که خیلی خنده دار است. پژوهشگران طرفدار این دیدگاه پژوهش های بسیاری در خصوص رابطه شوخ طبعی و سلامت انجام داده اند که تاکید بر ارزش شوخ طبعی به عنوان نوعی مهارت مقابله ای می باشد و نتایج زیر را بیان نمودند. افرادی که از شوخ طبعی برخوردارند در مقایسه با افرادی که شوخ طبع نیستند احتمالاً هنگام مواجهه شدن با تجربیات تنش زا، کمتر با خلق منفی واکنش نشان می دهند. شوخ طبعی روش موثری برای مقابله با عواطف منفی از قبیل خشم، غمگینی و افسردگی

است. مطالعات نشان می دهد که شوخ طبعی با عملکرد مثبت دستگاه ایمنی و علائم تنش های فیزیولوژیکی کمتر ارتباط دارد.

## شوخ طبعی در رویکرد شناخت گرایی

شناخت گراها از شوخ طبعی به عنوان یک توانایی شناختی مثلا توانایی ساختن، فهمیدن، بازسازی، به یاد آوردن و خلق لطیفه ها یاد کرده اند. این نوع شوخ طبعی به وسیله تست های حداکثر کارکرد سنجیده می شوند..

## شوخ طبعی در رویکرد رفتارگرایی

رفتار گراها شوخ طبعی را یک رفتار عادت‌می دانند. آن‌ها تمایل به زیاد خندیدن، تعریف کردن لطیفه برای دیگران و خندیدن به لطیفه دیگران را یک الگوی رفتار عادت‌می دانند که توسط درجه بندی‌های مشاهده‌گر برای ارزیابی رفتار شوخ طبعانه سنجیده می‌شود.

## شوخ طبعی در رویکرد انسان‌گرا

انسان‌گراها شوخ طبعی را به اندازه یک نگاه ویژه به جهان بالا می‌برند و شوخ طبع بودن را به عنوان یکی از ویژگی‌های افراد خودشکوفای

می دانند. آن ها شوخ طبعی را یک نگرش می  
دانند مثل یک نگاه شاعرانه به جهان.



## فصل دوم

### فواید و کارکردهای شوخ طبعی

دانشمندان در بررسی فواید شوخ طبعی عمدتاً به کنشهای روان شناختی و جسمانی شوخ طبعی توجه داشته اند. بررسی متون اولیه مربوط به مزاح بیانگر آن است که با توجه به زمینه های حمایت کننده پسیکوفیزیولوژیک مزاح این پدیده به عنوان عامل تسهیل کننده سلامت روحی و جسمی در نظر گرفته می شود (مارتین<sup>۱</sup> و

لفکورت<sup>۱</sup>، (۱۹۸۳). آلپورت<sup>۲</sup> (۱۹۵۰) معتقد بود فرد نورتیکی که یاد می‌گیرد به خود بخندد، ممکن است به کنترل خود توانا شده و به این ترتیب معالجه شود. از بررسیهای جالب توجه و حمایت‌کننده در رابطه با نقش مزاح [به ویژه در رابطه با بیماریهای جسمی] نوشته فرهان کاسنیز (۱۹۷۹) است. او معتقد بود که با خنده و مزاح و نیز با استفاده از ویتامین‌های خاصی رهایی از یک بیماری عفونی جدی ممکن است. وی بر این باور است که در اثر ۱۰ دقیقه خنده با صدای

---

۲۴- Lefcourt

۲۵- Allport

بلند بیمار می تواند خوابی راحت، بدون دردی به مدت ۲ ساعت داشته باشد براساس این نظریه ها عده ای از نویسندگان تصور کرده اند که خنده ممکن است اثری مشابه اثر آندروفینها یا سایر مواد آندروژنی مغز داشته باشد (به نقل از مارتین ولفکورت، ۱۹۸۳). دیکسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) و مارتین ولفکورت (۱۹۸۳) معتقدند که مزاح به عنوان راهبرد و مقابله ای جهت سازگاری با استرس به کار می رود. محققان معتقدند در افرادی که کمتر مزاح می کنند همبستگی بالایی

میان آشفته‌گی و پریشان‌های خلق و حوادث منفی زندگی وجود دارد (مارتین و لفقورت، ۱۹۸۳؛ مارتین و دابین<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ نزو<sup>۲</sup> و بلیست<sup>۳</sup>، ۱۹۸۸). در تحقیقات این پژوهشگران و نیز سایر پژوهش‌های انجام یافته، بر نقش مزاح به مثابه نوعی راهبرد مؤثر سازگاری و انطباق با شرایط دشوار، تأکید شده است (دیکسون، ۱۹۸۰؛ گلدشتین<sup>۴</sup>، ۱۹۸۲). به بیانی دیگر مزاح به مثابه تعدیل‌کننده و تسکین‌دهنده پاسخ‌های هیجانی

---

۲۷- Dobbin

۲۸- Nezu

۲۹- Blissett

۳۰- Goldstein

منفی هم چون اضطراب یا افسردگی در نظر گرفته شده است. تحقیقات اخیر ضمن تأکید بر نقش مزاح در تعدیل کردن فشارهای روانی مدعی هستند که نقش آن در سوی دیگر پیوستار هیجانات نادیده گرفته شده است. کیوپر<sup>۱</sup>، مارتین و دانس<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در تحقیقی نشان داده اند که مزاح در غنی سازی و پر محتوا کردن تجارب زندگی و در نتیجه در افزایش بهبود کیفیت زندگی به گونه ای مثبت نقش دارد.

---

۳۱- Kuiper

۳۲- Dance

پژوهشهایی که بر این جنبه از نقش مزاح تأکید دارند معتقدند مزاح در بهبود کیفیت زندگی مشارکت دارد. مثلاً لفکورت و مارتین (۱۹۸۶) نشان داده اند که مزاح به خودپنداره مثبت تر از خود منجر می گردد. یک مطالعه اخیر دیگر نیز مؤید آن است که داشتن نمرات بالاتر در سنجش های مربوط به مزاح با سطوح بالاتر عزت نفس، خود رتبه بندی مثبت تر (برحسب قابلیت اجتماعی بودن) و همگرایی بیشتر بین خودپنداره آرمانی و خودپنداره واقعی همراه است (کیوپر و مارتین، به نقل از کیوپر و همکاران، ۱۹۹۲).

## شوخی طبیعی و سیستم ایمنی بدن

تعدادی از پژوهشگران نقش تعدیل کننده مزاج را به واسطه تأثیر آن بر سیستم ایمنی بدن مورد بررسی قرار داده اند و معتقدند که مزاج ارگانهای ایمنی بدن را در مواجهه و مقابله با عوامل آسیب زا تقویت می کند (جموت<sup>۱</sup> و لاک<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴؛ لابت، آهمن، ولور و مارتین، ۱۹۹۰). همان گونه که پیش از این بیان شد کاسنیز (۱۹۷۹) در این باره معتقد است که مزاج

---

۳۳- Jommott

۳۴- Lock